



افول اقتصاد و سیاستگذاری ناصواب

درباره «اقتصاد: علم انسانیت» اثر محمد طبیبیان
که به چگونگی قهقرایی شدن اقتصاد می‌پردازد



نقشه راه انگلیسی‌ها

جان ستانیش در یادداشتی در کتاب ایران و خلیج فارس
اسناد راهنمای دیپلماتیک را منتشر کرده است



ادبیات پناهگاه اهل اندیشه است

گفت‌وگو با محمد کشاورز نویسنده
درباره کتاب «رادیو هنوز یک راز بود»



۱۰ انتخابات ۲۰۲۴

پیش‌بینی جیمز ام لیندزی معاون ارشد اندیشکده شورای روابط خارجی

گفتار

سیاستمدار

هشدار روحانی درباره خروجی رای ندادن

گاهی مشارکت نکردن و رأی ندادن در انتخابات به معنای نوعی رأی دادن است؛ رأی دادن به همان نامزدی که او را برای کسب آن مسئولیت صالح نمی‌دانیم. چون در انتخابات مشارکت نمی‌کنیم، عملاً شرایط را برای انتخاب غیراصلاح‌میهامی کنیم. علی‌رغم آنکه دولت فعلی با مشکلات دولتی‌های یازدهم و دوازدهم مواجه نیست، ولی شرایط زندگی مردم به مراتب بدتر شده است.

یادداشت

سر دبیر

انتخاب معکوس



محمدجواد روح

در روزهایی که فضای بحث و گفت‌وگو درباره انتخابات حتی در میان سیاستمداران و رسانه‌ها نیز سرد و کم‌رنگ است، حسن روحانی و نزدیکان او به معنای حلقه‌های سیاسی تبدیل شده‌اند که از انتخابات و درباره انتخابات و مقوله رأی دادن صحبت می‌کنند و در جهت نوعی گفتمان‌سازی در این زمینه گام برمی‌دارند. البته، فضای سیاسی و اجتماعی ایران چنان نیست که بتوان تصور کرد چنین گفتارهایی تأثیری ملموس و تعیین‌کننده بر روند و فضای موجود - دست‌کم در کوتاه‌مدت و انتخابات پیش‌رو - داشته باشد. در واقع، مجموعه روندها، تجربیات و نارسایی‌های شکل گرفته در کشور (به‌ویژه پس از سال ۱۳۹۶) به گونه‌ای بوده است که نه فقط بدنه اجتماعی را از مشارکت در انتخابات و سود جستن از ابزار صندوق رأی دور کرده است، بلکه بخش مهمی از نخبگان و نیروهای سیاسی را نیز که تا پیش از این، حاملان و پیش‌برندگان گفتمان‌ها و راهبردهای سیاسی انتخابات‌محور بودند، به کنار گذاشتن رویه پیشین واداشته است. به عبارت دقیق‌تر، گفتمان‌ها و راهبردهای مبتنی بر انتخابات نه در سطح حاملان (نخبگان سیاسی و سازمان‌دهندگان) و نه در سطح حامیان (بدنه اجتماعی رای‌دهنده) از اقبال پیشین برخوردار نیست. از این‌روست که بعید به نظر می‌رسد گفتارهای روحانی و حلقه حامیان و همفکران او، تأثیری تعیین‌کننده بر تصمیم‌گیری‌های اکثریت (چه در سطح حاملان و چه در سطح حامیان) بگذارد و آنان را از راهی که دست‌کم در دو انتخابات چهار سال گذشته در پیش گرفته‌اند، به مسیر پیشین بازگرداند. با این حال، گفتارهای روحانی و نیروهای همفکر او از منظر نقد و به چالش کشیدن گفتمان «دوری از انتخابات» و اجداد اهمیت است و می‌تواند زمینه گفت‌وگوهای جدی و بازنگری و بازخوانی در تجربه و فرهنگ سیاسی جامعه ایران را فراهم سازد. اهمیت این بازنگری و بازخوانی بیشتر از آن‌روست که طبق یک روند طبیعی، عموماً این گفتارهای سیاسی حامی انتخابات و برکنشیده از صندوق‌های رای بوده است که کارنامه و دستاورد آن محل نقد و گفت‌وگو قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، «مسئولیت سیاسی» به شکلی طبیعی متوجه نیروها و جریان‌هایی است که در موضع مسئولیت و در مناصب قدرت قرار می‌گیرند (فارغ از اینکه این مناصب چه درصدی از واقعیت قدرت موجود را دربرگیرد). ←



میدان برای حضور جناح‌ها بازشود



میدان باید برای حضور جناح‌های سیاسی و گرایش‌های گوناگون سیاسی-اقتصادی-فرهنگی در مسابقه بزرگ انتخابات باز باشد تا همه دیدگاه‌ها و نگاه‌ها در این میدان فعال باشند. اگر می‌خواهید به نفع دیدگاه خود تحول ایجاد کنید، راهش سر کار آوردن کسانی است که با شما هم‌جهت هستند که این مسئله نیز فقط با انتخابات محقق می‌شود. جمهوریت و اسلامیت نظام هر دو به انتخابات وابسته است؛ چراکه تحقق جمهوریت و مردم‌سالاری و حاکمیت مردم در اداره کشور هیچ راهی جز برگزاری انتخابات ندارد. بعضی‌ها برای دل‌سرد کردن مردم، دائم مشکلات کشور را یادآوری می‌کنند؛ درحالی‌که راه حل مشکلات، انتخابات است و برای رفع مشکلات باید در انتخابات شرکت کرد. اهمیت مجلس خبرگان رهبری در آنجاست که در موقع لازم می‌تواند رهبر مناسب را برای کشور انتخاب کند و در طول زمان هم می‌تواند و می‌باید مراقب حفظ شرایط حیاتی رهبری در شخص رهبر موجود باشد.

شفافیت بر کسی پوشیده نیست و این شکست تنها پدیده شفاف این مجلس است، به‌ویژه در بردن بررسی قوانین به کمیسیون اصل ۸۵ و به دور از افکار عمومی، فقدان شفافیت را به اوج رساندند. این وضع محصول ضعف آنان است. ضعف آنان محصول مشارکت پایین انتخاباتی است. خروجی هر دو انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ که مشارکت پایینی داشت، مجلس و دولت ضعیف و ناکارآمد بود. از سوی دیگر مردم در میزان مشارکت تصمیم‌گیرنده‌ی نیستند چون مردم هرگاه کالای سیاسی خوبی جلویشان بوده در انتخابات شرکت کرده‌اند و تحت تأثیر هیچ تبلیغاتی هم قرار نمی‌گیرند. در واقع این همان است که مقام رهبری در سخنان خویش از آن به عنوان رقابت کامل یاد کرده و ویژگی انتخابات خوب دانسته‌اند. در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ تمام رسانه‌های بیگانه علیه مشارکت انتخاباتی بودند، ولی ۷۳ درصد مردم شرکت کردند که بسیار پرشور بود. ←

که برای بگرام نوشتند و موجب شد که امکان احیای بگرام در سال ۱۳۹۹ از میان برود و اکنون هم در عمل رسیدن به چنین توافقی دور از ذهن است و صدای آتش‌بازهای دولتی را هم درآورده که می‌گویند با تحریم نمی‌توان رشد اقتصادی داشت؛ و چه در قانون فرزندآوری که هزینه‌های بسیار زیادی را به کشور باز کردند، بدون اینکه فرزندآوری مثبت شود، حتی کمتر هم شده است و چه در فرآیند نظارتی آنان که در برابر فساد اخیر سکوت اختیار کردند یا در جریان خودروهایی شاسی بلند ماجرا را ماله کشی کردند و مسکوت گذاشتند و بالاخره در وظیفه مهم مجلس در رای اعتماد به کابینه است که یکی از ضعیف‌ترین کابینه‌ها را تشکیل و به آنان رای اعتماد دادند، کافی است به صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای کمیسیون‌های مجلس نگاه کنیم که چه اندازه بی‌ربط با وظایف آنان به‌ویژه در حوزه اقتصادی است. همچنین شکست مطلق این مجلس در



مقام معظم رهبری با تاکید مجدد بر چهار شرط مشارکت قوی، رقابت واقعی سلامت حقیقی و امنیت انتخابات:



اگر قرار باشد درباره انتخابات به هر نحوی سخن بگوییم شاید نتوان بهتر و روشن‌تر از این جملات مقام رهبری را اظهار داشت: «اگر مشارکت ضعیف باشد مجلس ضعیف خواهد شد، مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت/ اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود باید مشارکت را بالا ببریم، این وظیفه‌ی همه است.» در درستی این گزاره‌ها شکی نمی‌توان داشت. ضعیف‌ترین مجلس پس از انقلاب همین مجلس کنونی است که با کمترین مشارکت تشکیل شد. نگاهی به عملکرد بسیار جناحی و شعاری آن، به‌ویژه گویای ضعف آن است. نگاهی به عملکرد قانونگذاری آن که خسارت فراوانی برای کشور داشته است، چه در قانونی

سرمقاله

جان کلام